

# پدیده ارتباطات و نسل دانش‌آموزی

محمدعلی فیاض بخش  
رئیس مدرسه راهنمایی نیک پرور

## مقدمه

سیاسی، فرهنگی و نظامی به چشم می‌خورد و کشورهای صنعتی بویژه اروپا و امریکا از آن بهره‌برداری قابل توجهی می‌کنند. آثار این جهش کمی را به خوبی می‌توان در تعدد ابزار ارتباطات مشاهده کرد که اغلب، جنبه تکنولوژیکی دارد. از نظر کیفی، عنوان «انقلاب در ارتباطات» را باید از جنبه انسانی و به هم پیوستگی افراد، مورد مطالعه قرار دهیم. سؤال قابل ذکر این است که ارتباطات اجتماعی و انسانی تا چه حد توسط تکنولوژی ارتباطات افزایش و یا کاهش یافته است؟ به عبارت دیگر، ارتباطات اجتماعات مختلف از جنبه فردی، فامیلی، گروهی، مذهبی و غیره در عصر جدید تا چه اندازه تغییر کرده است؟ آنچه مسلم است اینکه، پیشرفت ارتباطات از انزوا و تنهایی افراد نکاسته و در مواردی، وابستگی و نیازمندی آنها را به مراکز قدرت افزون ساخته است. برای نمونه، در امریکا و اروپا کمیانیهای بزرگ به وجود آمده که با استفاده از ابزار جدید، اطلاعات شخصی افراد را - که قبل از این خصوصی بود - به صورت عمومی خرید و فروش می‌کنند!

قرن کنونی را قرن انقلاب در ارتباطات نامیده‌اند. روشنترین نشانه و مشخصه این قرن، انفجار اطلاعات است. انباشتگی اخبار و اطلاعات، دنیای حاضر را در سیطره خویش گرفته است. راههای نفوذ و کارایی این سلطه و سیطره، از طریق تکنولوژی ارتباطات (رادیو، تلویزیون، ویدیو، ماهواره و...) فراهم شده است. از سوی دیگر، جریانات گول‌آسای خبرگزاریها و کارگزاران آن (خبرنگاران) با شیوه تکامل یافته مطبوعات و روزنامه‌نگاری و نیز تکنولوژیهای اطلاع‌رسانی، پیش‌بینی «مارشال مک لوهان» را در مورد دهکده جهانی محقق ساخته است. هرچند که «مک لوهان» در دهه ۱۹۶۰، با طرح نظریه دهکده جهانی پیش‌بینی خوش‌آهنگی را در مورد تحقق نوعی تفاهم ملی و بین‌المللی در انداخته بود، ولی امروزه اژدهای فریبنده و درهم‌کوبنده ارتباطات از آن آهنگ خوش، ضرباهنگی بس دهشتناک را - بویژه برای جوامع در حال توسعه - به صدا درآورده است.

میلیونها پرونده، بایگانی (Archives) و بانکهای اطلاعاتی از زندگی افراد درست شده که فقط دولتها و مؤسسات اقتصادی و سیاسی و نظامی به آن دسترسی دارند. نتیجه اینکه، در عصر انحصارات، قدرت فرد در برابر مؤسسات کمتر شده است.

آنچه به عنوان «انقلاب در ارتباطات» رایج است دارای دو جنبه کمی و کیفی است. از نظر کمی، پیشرفت در زمینه اختراعات تکنولوژی ارتباطات عصر جدید - از ماهواره‌های فضایی گرفته تا ویدیو و فاکس - تحولی ارتباطی به همراه آورده که آثار آن در زمینه‌های اقتصادی،

طور معمول، محتوای مقاله‌های خبرنگاران نیمه وقت و گزارشگران قابل تمیز نیست. ضمن آنکه، موقعیت گزارشگران به گونه‌ای است که اغلب می‌توانند تقیصه موجود در مقاله‌های خبرنگاران نیمه وقت را برطرف کنند. شمار تخمینی خبرهای پخش شده نشان دهنده ارقام بالایی است؛ ۱۷ میلیون خبر برای آسوشیتدپرس، ۱۱ میلیون خبر برای یونایتدپرس، ۳ میلیون و ۳۵۰ هزار خبر برای فرانس پرس و ۱/۵ میلیون خبر برای رویتر. تعداد مشترکان و مشتریان روزنامه‌ها نیز نشان می‌دهد که بالغ بر ۱۲ هزار روزنامه از خبرگزاری رویتر<sup>۳</sup> تغذیه می‌کنند.

### تهاجم فرهنگی و رسانه‌های ارتباطی

جهان امروز در معرض دگرگونیهای شگفت‌انگیزی است که بی‌تردید عمده‌ترین سهم در این دگرگونی از آن وسایل ارتباط جمعی است. کشورهای در حال توسعه در بادپای خیزش افکار و وزش امواج، مواجه با تهاجم فکری و فرهنگی کشورهای صنعتی و بویژه امریکا و اروپا شده‌اند. آگاهی و هوشمندی در کاربرد ابزارها و تطابق تکنولوژی ارتباطی با نیازهای ملی و دینی، از اهم وظایف فرهیختگان مرز و بومهای فرهنگی است.

پروفسور حمید مولانا در تبیین مفهوم تهاجم فرهنگی می‌گوید: «در تحولات عصر کنونی، تهاجم فرهنگی به طور عمومی به جریاناتی گفته می‌شود که در آن فرهنگ بومی و اصلی یک جامعه و یا یک کشور چه از طریق داخلی و چه از طریق خارجی مورد حمله و تسلط نظام فرهنگی دیگری قرار گیرد. بنابراین، تهاجم فرهنگی با تفاهم فرهنگی که به صورت داوطلبانه انجام می‌گیرد در دو جهت مخالف قرار می‌گیرند. تهاجم فرهنگی، یک طرفه، غیرداوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد. تهاجم فرهنگی، تاریخ طولانی و مفصلی دارد ولی جریان آن به صورت پدیده‌امروزی با گسترش سیاستهای استعماری یکصد و پنجاه سال گذشته آمیخته بود و با سلطه‌گرایی غرب و اشاعه ایدئولوژیها و تکنولوژیهای قدرتهای سیاسی

۱- «نامه فرهنگ»، شماره ۲، زمستان ۱۳۶۹.

۲- حمید مولانا، جریان بین‌المللی اطلاعات، ترجمه یونس شکرخواه، ص ۴۶.

۳- نشریه رسانه، شماره ۳، پاییز ۱۳۷۱.

اما «دهکده جهانی» که مارشال مک لوهان دانشمند کانادایی ارتباطات به آن اشاره کرد و در دهه گذشته از آن صحبت زیادی شده است، دهکده رؤیایی و آرزویی است و نه حقیقی و جهانی. از نظرگاه تکنولوژیکی، شاید چنین دهکده‌ای به وجود بیاید ولی از جنبه کیفیتی و انسانی، شکاف در این دهکده بسیار است. به قول پروفسور حمید مولانا استاد ایرانی ارتباطات و رئیس بخش ارتباطات جهانی دانشگاه امریکن واشنگتن دی سی «پنجاه درصد درآمد دهکده جهانی مک لوهان در انحصار شش درصد جمعیت قرار دارد. چگونه این شش درصد می‌توانند با بقیه زندگی کنند بدون اینکه اتاقهای خود را تا سقف پر از اسلحه کنند؟!»<sup>۱</sup>

### انحصارات خبری و اطلاع‌رسانی

در اواخر دهه ۶۰ و بویژه طی دهه ۷۰، تحقیق در زمینه خبرگزاریها و نقش آنها در فرآیند بین‌المللی اطلاعات، رشد قابل توجهی را در آثار محققان به دنبال داشت. در همین دوران، مطالعاتی که درباره صاحبان چهار گول خبرگزاریها نیز صورت گرفت، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت.

درواقع، چهار خبرگزاری در میان خبرگزاریهای جهان هستند که نقش خاص و وسیعی در جریان بین‌المللی خبرها دارند. این چهار خبرگزاری عبارتند از: «فرانس پرس» (فرانسه)، «آسوشیتدپرس» (امریکا)، «رویتر» (انگلیس) و «یونایتدپرس اینترنشنال» (امریکا). این چهار خبرگزاری، روزانه با مخابره بیش از ۳۵ میلیون کلمه خبر، جهان را بمباران خبری می‌کنند.<sup>۲</sup>

در مجموعه‌ای که اخیراً یونسکو منتشر کرده است فهرستی از خبرنگاران مقیم خارج این خبرگزاریها ارائه شده است. طبق این فهرست، آسوشیتدپرس ۵۵۹ خبرنگار، یونایتدپرس ۵۷۸ خبرنگار، خبرگزاری فرانسه ۱۷۱ خبرنگار به همراه ۱۲۰۰ خبرنگار نیمه وقت و رویتر ۳۵۰ خبرنگار به همراه ۸۰۰ خبرنگار نیمه وقت دارد. تعداد خبرنگاران نیمه وقت آسوشیتدپرس و یونایتدپرس مشخص نیست، اما به هزاران نفر می‌رسد. این خبرنگاران، کارمندان نیمه وقتی هستند که مقاله‌های خود را در مدت زمان معینی ارائه می‌کنند. بسیاری از این افراد در مورد کشورهای متبوع خود مقاله تهیه می‌کنند. با این حال، تعلیمات لازم در مورد سبک و ارزشهای خبری سازمانهای مربوط به آنها داده می‌شود. به

● **تهاجم فرهنگی با تفاهم فرهنگی که داوطلبانه صورت می‌گیرد در دو جهت مخالف هم قرار دارند. تهاجم فرهنگی، یکطرفه، غیر داوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد.**

و اقتصادی و فرهنگی همراه بوده است. تهاجم فرهنگی، دو دوره را سپری کرد و اکنون در آستانه یک تهاجم فرهنگی جدید قرار گرفته‌ایم که از لحاظ کمیت و کیفیت با ادوار گذشته تفاوت دارد.<sup>۴</sup>

پروفسور مولانا با اشاره به ویژگیها و زیرساختهای تهاجم فرهنگی در سه دوره متوالی، یادآور می‌شود که ترفند تهاجم فرهنگی در مرحله اول، مدرنیسم است، در مرحله دوم زیرساخت تهاجم فرهنگی، رشد و گسترش وسایل ارتباطی و مخابراتی است و زیرساخت جدید در مرحله سوم تهاجم فرهنگی، بزرگراههای اطلاعاتی هستند که در آن، محتویات اطلاعاتی، تصویری و فرهنگی در یک زمان و بر روی یک خط مستقیم در حرکت هستند. در واقع، از طریق بزرگراههای اطلاعاتی، تلفیقی از فاکس، کامپیوتر، تصویر و بانکهای اطلاعاتی همه از یک خط به مصرف کننده خواهد رسید و ارسال و دریافت اطلاعات در یک خط و به صورت دایره‌ای که آغاز و انتها ندارد، حرکت می‌کند. سؤال مطرح این است که چه کسانی مالک این بزرگراهها هستند؟ چه کشورهایی می‌توانند به این بزرگراهها وارد شوند و قوانین آن را چه کسانی تعیین خواهند کرد؟ پروفسور مولانا پاسخ می‌دهد:

«امریکا با ایجاد این زیرساخت، خودش را آماده تهاجم فرهنگی می‌کند و هدفش این است که با ایجاد این بزرگراهها، در حقیقت الگوی استفاده از رسانه‌ها و عادت امریکایی را به یک الگو و عادت جهانی تبدیل کند.»<sup>۵</sup>

## دیدگاههای مقابله با تهاجم فرهنگی در نظام

### آموزشی و پرورشی ایران

در ورای یک بحث نظری فشرده که پشت سر نهادیم، ورود به یک بحث عملی و مواجهه با واقعیات ملموس ضروری می‌نماید.

تردید نیست که نظام آموزش و پرورش ایران با همه زمینه‌های مثبت و نقاط بالقوه ارزشمند خود - که در بطن نظام تربیتی مکتبی ما جای دارد - خواه ناخواه امروز در معرض آسیب جدی تهاجم فکری و فرهنگی بیگانگان قرار دارد. این گونه تهاجم، بویژه از آن دیدگاه قابل تأمل و نیازمند چاره‌جویی جدی است که منفذ ورود خود را طبقه نوجوان و جوان در حال تحصیل قرار داده است. این قشر، به عنوان ارکان اساسی در نظام کلان توسعه و ارزشمندترین نیروی انسانی برای رشد کشور، باید از این تهاجم در امان باشد و یا کمترین آسیب را متحمل شود. بی‌شک، نگاه واقع‌بینانه به مناسبات جهانی و منطقه‌ای و ملی در زمینه ارتباطات و نیز یافتن منافذ آسیب‌رسان در مسیر این تهاجم و سرانجام، راههای مقابله و تدارک و جبران، اصلی‌ترین و کلی‌ترین شیوه‌های این مبارزه است.

### ۱- نگاه واقع‌بینانه به مناسبات جهانی، منطقه‌ای و ملی

ما عضو یک خانواده بزرگ جهانی هستیم. در این خانواده - چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم - در فعل و انفعال به سر می‌بریم. گاه فعالیم و گاه منفعل. عملکرد ما در هر بعد از ابعاد فردی و اجتماعی در این دو سطح فعالیت و انفعال قرار می‌گیرد. هنگامی که می‌اندیشیم، انتخاب می‌کنیم و خود وارد عمل می‌شویم، اقدامی فعالانه کرده‌ایم. هنگامی که در معرض القای اندیشه‌های دیگران، همسو با اهرمهای فشار - اعم از اجتماعی، سیاسی و تبلیغی - تن به تسلیم در برابر جریانات بیرونی می‌دهیم، منفعلانه عمل کرده‌ایم. مسأله، فعالیت و انفعال است و سخن در این نیست که بخواهیم واقعیات ارتباطی را که زاییده مدرنیسم قرن کنونی است انکار کنیم! همین نگاه واقع‌بینانه می‌تواند منشأ تصمیم‌گیریهای منطقی و نتیجه‌بخش باشد. به این مثال توجه کنید:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ماه ۱۳۵۷، تلویزیون به عنوان یک وسیله ارتباطی - که دیگر موانع اخلاقی، اجتماعی و دینی گذشته را همراه خود القانمی‌کرد - تقریباً به درون خانه تمامی خانواده‌های ایرانی راه یافت. در اینجا، سخن این نیست که آیا این راهیابی برگرفته از یکسری دلایل و منطقی‌هایی بوده که سیری اندیشمندانه و انتخابی آگاهانه داشته است یا نه؟ بلکه منظور توجه دادن به واقعیتی است که به ضرورت و بنا به مناسبات اجتماعی آن روز (انقلاب در جامعه و ساختار حکومتی آن) خود را بر قاطبه خانواده‌ها تحمیل کرد و در این تحمیل نیز جامعه احساس فشار و جبر غیرطبیعی نکرد. تا اینجای قضیه بیان یک واقعیت برخاسته از افت و خیزهای مناسبات اجتماعی است و اما نکته‌ای که از این پس گفتنی است اینکه، در سیر تحمیل جبری خواسته و ناخواسته و بدون احساس فشار و ورود تلویزیون به خانواده‌ها مسأله انتخاب، تطابق و حتی انتقاد و نیز در مواقعی مقابله با پاره‌ای برنامه‌های آن را به دنبال داشت که این جنبه قابل تأمل مسأله است.

بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تلویزیون طی دو مرحله، هویت خود را در خانواده‌ها بازمی‌یابد. مرحله نخست، ورود یکه‌تازانه و بدون مانع و منازع به عرصه خانواده و مرحله دوم، تحدیدیابی و مرزپذیری در محیط خانواده بر اساس بینشها و منطقیهای حاکم بر افراد خانواده است و این، طبیعی‌ترین شکل هویت‌یابی یک پدیده ارتباطی در جهان امروز است.

چنانچه در جریان تدقیق و موشکافی در مسائل اجتماعی و مناسبات زندگی جمعی، دو حیطه نظامهای ارزشی و نظامهای واقعیتی

۴ و ۵- تلخیص شده از مقاله پروفسور حمید مولانا که توسط آقای یونس شکرخواه در کنفرانس «تهاجم فرهنگی، ماهیت و ابعاد آن» در دی ماه ۱۳۷۲ در دانشگاه علامه طباطبائی قرائت شد.

## ● طبقه نوجوان و جوان در حال تحصیل به عنوان ارکان اساسی در نظام کلان توسعه، منفذ تهاجم فرهنگی هستند.

باورهای خویش در معرض آسیب بیگانه است، درحقیقت در معرض جدی‌ترین لطمه تهاجمی است. زیرا آنچه برای نوجوان و جوان دستمایه رشد به سامان شناختی و عقیدتی است، مسأله حفظ هویت اصیل و واقعی شخصیت اوست. این نکته در مطالعات عمیق و یافته‌های پژوهشی روان‌شناختی مسلم شناخته شده است که، «هویت در برابر سردرگمی» اساسی‌ترین پایه رشد و استقلال‌یابی یک نوجوان است. از این روی، حفظ هویت و تلاش در زمینه القای هویت اصیل - مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات خودی - اصلی‌ترین کوشش برای جلوگیری از این روزنه هجوم است.

### زیرساختهای روان شناختی هویت

«اریک اریکسون»،<sup>۶</sup> تنها نظریه پرداز معتبر در زمینه بررسی روان‌شناختی نوجوانی است. طرح عمومی او، انضباط خاصی به رشته مطالعات و تحقیقات بخشید. پیش از اریکسون، دوره نوجوانی به صورت روانکاوی سنتی با مروری بر شش سال اول زندگی یا از طریق بررسی فرهنگ بررسی می‌شد. نبوغ اریکسون، ترکیب و تلفیق روان‌شناسی و مسائل اجتماعی - فرهنگی بود. نظریه اریکسون در زمینه رشد به عنوان رفتار متقابل شخصیت فردی با جامعه، در جریان طرح «اپی ژنتیک»<sup>۷</sup> رشد شخصیت را از راههای تازه‌ای توصیف کرد.

تصویر اریکسون از کشمکشهای هویت در نوجوانی، تصویری است در خور نمایش. چنین به نظر می‌رسد که او نوجوانان را غوطه‌ور در نیازها و ابهامات بزرگسالی می‌بیند. اریکسون حتی در زمینه لحظه اتخاذ تصمیم، یعنی وضعیتی که نوجوان با مسائل هویت مواجه می‌شود و آنها را رفع می‌کند یا از عهده رفع آنها بر نمی‌آید نیز به بحث می‌نشیند (همانند هال و فروید).

از نظر اریکسون، نوجوانی دوران هیجانانگیز و فشار روانی و آشفتگی و اضطراب در زندگی انسان است. هیجان، تنها تغییری هورمونی یا جنسی یا فیزیکی نیست، بلکه مجموعه‌ای است از تمامی این تغییرات همراه با انتظارات نامعلوم و امیدها که «خودپنداری»<sup>۸</sup> آینده را شکل می‌دهد:

(Fact) را در هم نیامیزیم، راحت‌تر و به سادگی می‌توانیم راهبردهای عملی را پیدا کنیم.

امروزه، شاید شعار خانه بدون تلویزیون - هرچند که برخورد از منطقی قوی و دلایلی اندیشمندانه و قابل دفاع باشد - در عمل دور از ذهن به نظر برسد زیرا، حضور پدیده ارتباطی تلویزیون بنا به ضروریات بسیاری - واقعی و یا غیر واقعی - در خانه، هویت فیزیکی خود را پیدا کرده است.

مهم این است که شعار فوق را - که به طور قطع در یک نظام ارزشی مطرح می‌شود - در کنار نظام واقعی بنشانییم و از صلح‌جویی و مسالمت این دو، نظام ارزشی متناسب با تکنولوژی مهاجم و تحمیل‌کننده را بازیابی و پی‌ریزی کنیم.

این سخن، البته کمی پرواگرایانه و جسارت‌آمیز و خطیر جلوه می‌کند و اندکی خطر کردن می‌طلبد؛ بدین ترتیب، نگاه واقع‌بینانه به مناسبات جهانی، منطقه‌ای و ملی در ذات خود، در افکندن بنیانهای جدید ارزشی را در کنار واقعیات مهاجم اجتماعی طلب می‌کند. به دیگر سخن، ما در دنیای امروز ناچاریم که با حفظ اصول و مبانی، به نوعی بازآفرینی و شکل‌دهی جدید به نظامهای ارزشی خود روی آوریم.

براین اساس، نفی مطلق و طرد کلی جای خود را به پذیرش مشروط و ساماندهی مجدد می‌دهد. در این ساماندهی مجدد، هویت فیزیکی پدیده‌ها در هویت‌یابی جدید - که مبتنی بر ارزشهای استفاده‌کنندگان شکل می‌گیرد - محو می‌شود و طلسم جعبه جادویی تلویزیون می‌شکند و به صورت ابزاری در جهت انتخاب استفاده‌کنندگان از آن درمی‌آید.

تحقق این سخن البته به نوعی قدرت در حیطه اندیشه، انتخاب و عمل نیازمند است و این، اصلی‌ترین فرض ما در این مقاله است.

### ۲- منافذ آسیب‌پذیر در تهاجم فرهنگی

نسل دانش‌آموزی در کشور ما از دو منفذ عمومی در معرض آسیب تهاجم فرهنگی است:

۱) حیطه شناخت  
۲) حیطه عواطف

### الف) حیطه شناخت

هویت نوجوانان و جوانان، اصلی‌ترین هدف این تهاجم است. هنگامی که یک نوجوان در زمینه‌های تفکر، شناخت، اعتقادات و

6- Erik Erikson 7- epigenetic

8- Self concept

الگوهای پاسخ را در بر می‌گیرد. برای به دست آوردن احساسی روشن از هویت خود، لازم است که درک کنیم مفهوم خود استیلا و ثباتی بر زمان دارد و با زمان تغییر نمی‌کند. فرد نیازمند است که همبستگی مستحکم بین کسی که دیروز بوده و کسی که امروز در قید حیات است را دریابد.

جووانان برای تجربه کردن کمال باید یک «امتداد پیشرونده‌ای»<sup>۱۰</sup> را بین گذشته‌ای که در کودکی خود داشته و آینده‌ای پیش‌بینی شده که قرار است آن‌گونه باشد، درک کنند؛ یعنی، بین آنچه او تصور می‌کند که هست و آنچه درک می‌کند که دیگران در او دیده و از او انتظار خواهند داشت واقف شوند.

هرگونه تأثیرات گسترش یابنده‌ای در اعتماد به ادراک خود به عنوان فردی جدا و مشخص از دیگران - که به طور معقول منجر به استحکام و تشکل احساسات و ادراک نوعی ادامه شخصیت در بستر زمان می‌شود - در تکمیل حس هویت خود، سهیم است. اریکسون با کمک نشانه‌های ذکر شده، هرگونه احساس مخرب را تحت عنوان «پراکندگی هویت»<sup>۱۱</sup> نامید که البته، در سالهای اخیر ترجیح می‌دهد تا نام «آشفته‌گی هویت»<sup>۱۲</sup> بر آن گذارد که به مفهوم شکست در غلبه بر تشکل و امتداد داشتن تصورات خود در زمان است.

#### هویت در دیگر فرهنگها

امریکاییها بر روی بسط و پرورش شخص به عنوان فرد نمونه و تنها، نسبت به دیگر جوامع تأکید قوی‌تر و بیشتری داشته‌اند که این جوامع نیز توکل به خود و عدم وابستگی را مورد توجه قرار می‌داده‌اند. در فرهنگهای دیگر - مانند چین و ژاپن - بر کسب هویت خود و احساس ارزش از طریق همبستگی نزدیک با دیگران و «عضوی از جامعه رتبه بندی شده بودن»، تأکید بیشتری صورت گرفته است. برای مثال، در ژاپن به یک کودک با دید اندام‌واره‌ای زنده و یکپارچه، که نیازمند ارتباط داخلی با دیگران در سرتاسر زندگی خود است، نگاه می‌شود چه در خانه، یا مدرسه و یا محل کارش. اجتماع و جامعه در زندگی ژاپنیها وزین و پرارزش است و اولین قدم در راه بلوغ برای یک فرد ژاپنی یادگیری پذیرش بارها و محدودیتهایی است که از طرف جامعه تحمیل می‌شوند. با این وجود، حتی در جوامعی که تأکید بیشتری بر هویت گروهی<sup>۱۳</sup> نسبت به هویت فردی<sup>۱۴</sup> می‌شود، نیاز به ادراک خود به عنوان یک فرد مشخص و مستحکم که تا اندازه‌ای جدای از دیگران است، هنوز هم به چشم می‌خورد با این توجه که وی در عین حال به یک توافق بزرگتر و ائتلاف

۸	کمال								نمایند در برابر نویدی
۷	بزرگالی								زاینده‌گی در برابر در خود فرو رفتگی
۶	اوایل بزرگالی								صمیمیت در برابر کناره‌جویی
۵	بلوغ و نوجوانی								هویت‌یابی در برابر سردرگمی
۴	کمون								کارآیی در برابر سخت‌افزار
۳	جنسی - آلتی								ابتکار در برابر احساس گناه
۲	مصلحتی - مفیدی								خود پیروی در برابر تردید
۱	حسی - دهانی								اعتماد در برابر عدم اعتماد
		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸

هشت مرحله رشد در نظریه اریکسون. در این نمودار سن تقریبی یا مراحل روانی جنسی از نظر فروید که با هر یک از مراحل رشد در نظریه اریکسون مطابقت دارد فهرست شده است. تضادهای اصلی هر مرحله در نظریه اریکسون به صورت مورب آمده است (اریکسون، ۱۹۶۳)، اقتباس از کتاب رشد و شخصیت کودک - پاول هانری ماسن

#### هویت، ارزشها و از خودبیگانگی

عمده‌ترین کار در زمینه مسأله بلوغ در جامعه ما، یافتن پاسخی کاربردی برای این پرسش است که، «من چه کسی هستم؟» علی‌رغم اینکه این پرسش ذهن افراد را قرن‌ها به خود مشغول کرده است و موضوع تعداد غیر قابل شماری از اشعار و رمانها و اتوبیوگرافیاها بوده است، فقط در دهه اخیر دقت «سیستماتیکی» از نظر روان‌شناسی بر روی آن انجام گرفته که بیشتر پژوهشها و نوشته‌های اریک اریکسون به این مقوله پرداخته است که این امر نیز اتفاقی نبوده، زیرا که او زمینه‌ای قوی در هنر، ادبیات و تعلیم و تربیت داشته است.

فرد نوجوان یا بزرگسال که احساسی قوی در زمینه هویت خود دارد، خویشتن را به عنوان فردی مشخص و متمایز از دیگران می‌بیند. در حقیقت، بسیاری اوقات کلمه منحصر به فرد جای کلمه فردی می‌نشیند، به این مفهوم که بیانگر نیازمند ادراک و شناسایی خود به عنوان فردی است که کمی از دیگران متمایز است - بدون در نظر گرفتن اینکه او چه مقدار در انگیزه‌ها و یا ارزشها و علائق با دیگران سهیم است. با این نیاز، احساس نیاز به «استحکام درونی»<sup>۹</sup> و کمال نیز همراه هستند. هرگاه ما در زمینه مسأله امانت و درستی سخن می‌گوییم، در واقع به گونه‌ای به بیان جدایی و تفرد از دیگران می‌پردازیم که این امر، مجموعه نیازها، انگیزه‌ها و

- 9- Self consistency      10- Progressive continuity
- 11- Identity deffusion    12- Identity confusion
- 13- Group identity      14- Individual identity

● وجود منابع قوی انسانی، به عنوان مریبان و معلمانی که بالاترین انگیزه را در تربیت نسل جوان جامعه دارند، به عنوان نیروی محرکه و کنترل کننده در امر شناخت هویت، ضروری و غیر قابل جایگزین است.

تنوع در شکل‌گیری هویت

تا اینجا ما بر روی مسأله شکل‌گیری هویت به شیوه‌ای بحث کردیم که این مسأله، نکته‌ای متفرد است، به این معنی که همه یا هیچ. یعنی یک نوجوان یا توفیق می‌یابد و یا شکست می‌خورد. در واقع امر، این یک موضوع کاملاً پیچیده است.

الگوهای شکل‌گیری هویت در میان نوجوانان مختلف متفاوت است. در یک جامعه ابتدایی، آنجایی که فقط تعداد انگشت‌شماری قوانین از طرف بزرگسالان وضع و اجرا شده و در جایی که تحولات زندگی از یک نسل به نسل دیگر به چشم می‌خورد، شکل‌گیری هویت یک امر نسبتاً ساده و زود انجام گیرنده است. در مقابل، در جامعه‌ای با تحولات سریع و پیچیدگیهای خاص که سبب به وجود آمدن موقعیتهای و انتخابهای زیاد می‌گردد، شکل‌گیری هویت یک امر مشکل و امری توسعه یافته می‌تواند باشد.

در یک جامعه بخصوص، هویتها ممکن است نمونه و یا ضداخلاقی و منحرف باشند. فرد ممکن است در جستجوی نقشهای فردی، اجتماعی و یا شغلی باشد که جامعه آنها را تصویب کرده است. در جملات اریکسون «ثبات‌یابی هویت»<sup>۱۵</sup> یک وقفه در شکل‌گیری هویت به حساب می‌آید. این یک تثبیت پیش‌رس و قبل از موقع از تصورات راجع به خود است که در نتیجه برخورد میان آن و دیگر تواناییهای بالقوه فرد برای تعریف خود است و فرد نمی‌تواند همه آنچه می‌تواند باشد، بشود.

بسیاری از نوجوانان با تعدد انتخاب مواجه هستند که در نتیجه آن به یک دوره طولانی آشفتگی هویت وارد می‌شوند. وقتی این افراد نمی‌توانند تصمیم بگیرند که چه کسی هستند و چه کسی می‌خواهند باشند و در بسیاری از تمثیلهای و موارد تعریف هویت بعد از چند آزمایش و خطا صورت می‌گیرد. گاهی اوقات نتیجه هویت به این معنی است که نه تنها تعریف واضح کمال خود و تکامل اخلاقی صورت گرفته است بلکه زیرکی و غنا و گوناگونی در منابع آن نیز به چشم می‌خورد و در برخی از موارد هم نوجوان نمی‌تواند یک تعریف واضح از خود داشته باشد.

بر طبق مطالعات اخیر، جوانان بسیاری که از پراکندگی هویت رنج می‌برند، کسانی بودند که از همراهی والدین خود و یا از طریقه زندگی

قوی‌تری با اجتماع به عنوان وجودی که طبیعت به آن داده، نیازمند است. ژاپنها وقتی می‌گویند «دیگران را درون خود قرار بده» مفهوم نیاز به همراهی و اتحاد افراد و هویت جمعی را بیان می‌کنند و می‌خواهند بگویند «خواستن همدلی و باز بودن نسبت به دیگران».

مشکلات هویت در نوجوانان

خیلی از نوجوانان خود را می‌یابند در حالی که نقشی را ایفاء می‌کنند (از موقعیتی به موقعیت دیگر و از زمانی به زمانی دیگر) و نگران این مسأله هستند که «پس من کدامیک از اینها هستم؟» آنها همچنین خودآگاهانه نقشهای مختلفی را امتحان می‌کنند با این امید که آنچه مناسب آنهاست بیابند.

یک دختر نوجوان که سه سبک مختلف خط را می‌دانست مورد سؤال قرار گرفت که چرا با یک سبک مشخص نمی‌نویسد؟ او پاسخ داد که «چگونه می‌توانم با یک روش بنویسم تا ندانسته‌ام که من کی هستم؟» این تعجب انگیز نیست که یافتن هویت خود یک مسأله حاد برای این دوران رشد باشد، دورانی که تحول در دستور کار روزانه قرار گرفته است. تحولاتی که در سالیان اواسط کودکی رخ می‌دهند بیشتر تدریجی و منظم هستند بدون تحولات ناگهانی از روزی تا روز دیگر تا از ماهی تا ماه دیگر.

در دوران بلوغ یک نوجوان با تحولات روانی، جسمی، جنسی و ادراکی و در کنار آنها با تفکرات جدید و متحول شده و نیازهای شغلی و اجتماعی مواجه می‌شود. تعجب آور نیست که نوجوانان احتمالاً بر اساس تظاهری که در دیده‌های دیگران دارند، مورد توجه قرار می‌گیرند. به دست آوردن یک تعریف خوب از احساس هویت فردی به ظرفیت یک نوجوان وابسته است که با تصور کردن خویش در مفاهیم مجرد به دفعات مانند یک ناظر خارجی، خود را می‌نگرد. او می‌بایستی افکار خودش را مانند یک جسم در نظر بیاورد و مدلل سازد. ظرفیت شرکت در چنین عملیات فکری از طرفی کمک می‌کند تا نوجوان به هویت فردی دست بیابد، اما همگام با آن مشکلات، جستجو را نیز افزایش می‌دهد. چنین آشنایی ادراکی یک تبیین را نتیجه نمی‌دهد، بلکه پیوندی است بر نیازهای یک نوجوان برای گسترش احساس هویت. چرا که، از میان تمامی روابط متصور و ممکن، او می‌بایستی از میان گروههای انتخابی تعهدات شخصی و شغلی و جنسی و عقیدتی را برگزیند.

خویش راضی نشده بودند و نتوانسته‌اند که یک سبک مشخص و سودمند برای خود انتخاب کنند.

جملات زیر از قول یک زن جوان بیان شده است:

«فرض کنیم که من یک روان‌شناس هستم. هیچ فکری راجع به آن ندارم و مایل نیستم که برنامه‌ای دورتر از یک هفته برای خود بریزم. والدینم مایلند که من در خانه بنشینم و عروسی کنم که این نسبتاً دور از حقوقی که هم‌اکنون متصور است، می‌باشد. مادرم عاشق این است که من خانه‌نشین باشم و ... اما من قصد دارم که در تابستان به آفریقا بروم و در پاییز هم به تنهایی به اروپا سفر کنم و بعد از آن را نمی‌دانم.»

تمامی این تنوعات در شکل‌گیری هویت ممکن است در مورد نوجوانان هم عصر رخ دهد.

### روابط متقابل والدین - فرزندان و شکل‌گیری هویت

تشکل یک احساس با ثبات در هویت، با عوامل متعددی تسهیل می‌شود. از جمله رابطه پاداش آمیز پرورشی بین کودک و یا نوجوان با هردو والد خویش. ولد هم جنس که مدلی مؤثر برای نقش اجتماعی و شخصی کودک است و نوجوانان آن را به عنوان پاداش برای هویت محسوب می‌نمایند. یک ولد غیر هم‌جنس که او هم فردی مؤثر است و او مدل تصویب شده توسط ولد هم جنس را تسهیل و تأیید می‌نماید. چنین نوجوان یا جوانی احتمالاً یک دریافت واضح و مطلوب از خود خواهد داشت و همچنین کشمکشهایی بین دریافت‌های درونی و نیز خواسته‌های درونی برای دستیابی به بلوغ جنسی و خواسته‌های خارجی جامعه را کمتر به حساب خواهد آورد.

برای تثبیت این دریافت، بیان می‌کنیم که نوجوانانی که پدرهای پرورش‌یافته‌ای دارند خود را می‌یابند به طوری که یک نقش باثباتی را می‌پذیرند تا نوجوانانی که پدرهای آنها کمتر پرورش یافته‌اند. این بدین معنی است که آنها خود را می‌بینند به همانگونه که در مقابل والدین برخورد می‌کنند با دوستان، مستخدمان و آشناهای اتفاقی و افرادی از جنس مخالف نیز برخورد می‌نمایند. و هنگامی که والدین هر دو رفتاری با ثبات دارند، نوجوانان هویت خود را قوی‌تر می‌یابند.

به نظر می‌رسد وضعیت هویت و تغییرات در وضعیت خود با درجه استقلال از خانه و اغواهای فرهنگی تغییر می‌کند. در یکی از مطالعات اخیر بر روی دانشجویان ورودی یکی از دانشگاه‌های امریکا، با مصاحبه‌هایی که اصول کارش فشرده و مشخص شده بود، مفهوم هویت به چهار گروه زیر تقسیم‌بندی شد:

۱- ثبات هویت<sup>۱۶</sup>: موقعیتی است که فرد دوره‌ای از بحران را گذرانده و تعهدات محکمی را برای خود آشکارا ترتیب داده است.

۲- جستجوی هویت<sup>۱۷</sup>: موقعیتی است که فرد هنوز در بحران به سر

می‌برد و از میان تعدادی موارد انتخاب در جستجوی رسیدن به یک انتخاب است.

۳- انسداد هویت: موقعیتی است که فرد هیچ بحران هویت را تجربه نکرده اما در هدفها و اعتقاداتش به طور ملموس به دلیل تأثیرات و نفوذ والدینش محکوم شده است.

۴- پراکندگی هویت: موقعیتی است که فرد التزام به چیزی ندارد و به نظر نمی‌رسد که تلاشی فعالانه برای التزام به روشی خاص داشته باشد.

در بحث هویت به فهرست واژگان ذیل برمی‌خوریم:

۱- شناخت پیشینه تاریخی و فرهنگی خود

۲- آگاهی از فرهنگ و پیشینه عمومی دیگر ملل در جهان ارتباطاتی

۳- بازیابی شخصیت‌های بارز فرهنگی و تاریخی

۴- آگاهی از سیر صعودی و نزولی تمدن خودی و بیگانه

۵- القای منطقی و شناخت فرهنگ دینی و اعتقادی

۶- جهت‌دهی صحیح در اتخاذ مواضع و سمت‌گیریهای اجتماعی و سیاسی

۳- راههای تدارک و مقابله

راهبردهای عملی آموزشگاهی (حیطه شناخت)

در تحقق عناوین یادشده، معلمان و مربیان نقش اساسی و اول را بازی می‌کنند. کلاسهای تاریخ، ادبیات و نگارش، جغرافیای سیاسی و نیز تدقیق بر علوم پایه با تمرکز بر تاریخ اسلامی - ایرانی این علوم، یکی از بزرگراههای اصلی نیل به هویت بخشی شناخت در نوجوانان است. همچنین، تدارک دیدن فعالیت‌های فوق برنامه آموزشگاهی از قبیل نقش‌یابی دانش‌آموزان در تشکلهای صنفی، عضویت در کانونهای مدرسه‌ای و نیز سرگرمی‌هایی که بتواند شخصیت فردی و اجتماعی آنها را بارز گرداند، از جمله راههای مقابله با تهاجم فرهنگی در بعد هویت است. در این راستا، دانش‌آموز محوری، اساس کار مدارس خواهد بود. کانونهای پیشنهادی برای فعالیت مدارس عبارتند از:

۱- کانونهای علمی و تحقیقاتی

- مطالعات کتابخانه‌ای

- پژوهشهای تجربی و آزمایشگاهی

- پژوهشهای اجتماعی و تاریخی

۲- کانونهای هنری و ورزشی

- فعالیت‌های تئاتر و فیلم‌سازی

● **ترفند تهاجم فرهنگی در مرحله اول مدرنیسم، در مرحله دوم رشد و گسترش وسایل ارتباطی و مخابراتی و در مرحله سوم تملک بزرگراههای اطلاعاتی است.**

۳- فعالیتهای ورزشی و قهرمان پروری

۴- فعالیتهای اجتماعی

۳- کانونهای انتشاراتی و فرهنگی

۴- نشریه پردازی

۵- آشنایی با بازار کتاب و انتشارات

۶- جنگهای ادبی، فرهنگی و شعر

۴- کانون فعالیتهای عام المنفعه

۷- آشنایی با جامعه و طبقات اجتماعی

۸- فعالیتهای خیریه در رابطه با ارگانهای نیازمند اجتماعی

۹- تشکیل کمیتههای امور خیریه و سازماندهی آن از درون مدرسه

۵- کانون روابط عمومی

۱۰- اشتراک نشریات و مجلات فرهنگی و هنری

۱۱- اطلاع رسانی در مورد اخبار فرهنگی، هنری و اجتماعی

۱۲- شرکت در اجتماعات، کنگره‌ها و سمینارها

۱۳- ملاقات با شخصیتهای بارز فرهنگی، اجتماعی و هنری

۶- کانون فعالیتهای برون مرزی

۱۴- ارتباط با برخی از مراکز علمی و فرهنگی خارج از کشور

۱۵- اطلاع رسانی در مورد تجربه‌های موفق آموزشی خارج از کشور

۱۶- اشتراک بولتنها و نشریات آموزشی

۱۷- ارتباط فرهنگی با بخشهای کنسولی برخی از نمایندگیهای خارجی

تمامی آنچه به عنوان فعالیتهای مدرسه‌ای فوق برنامه ذکر شد، می‌تواند گروه‌های مختلف دانش‌آموزان را براساس علایق و استعدادهای آنها در تثبیت هویت شناختی آنها کمک کند. نوجوانی که خود را در صحنه فعالیتهای فکری و شناختی صاحب هویت و نقش بیابد خواه ناخواه خود را در جریان حفظ و ارتقای هویت خویش و پاسداری از نقشی که یافته است، مسوول و دارای انگیزه‌های قوی خواهد بود.

به موازات آنچه پیشنهاد شد، وجود منابع قوی انسانی به عنوان مربیان و معلمانی که بالاترین انگیزه را در تربیت نسل جوان جامعه دارند به عنوان نیروی محرکه و کنترل کننده و هدایت کننده، ضروری و غیرقابل جایگزین است.

در این فرآیند، رسانه‌های ارتباطی و بویژه تلویزیون و مطبوعات به عنوان تشدیدکنندگان حرکت «هویت بخشی»، نقشی درخور تأمل

دارند.

همگام با این تلاش (تثبیت هویت در دانش آموزان) می‌توان ظرفیتهای مطلوب در مواجهه با پدیده‌های ارتباطی قرن را نیز در آنان ایجاد کرد. امروزه، پدیده فرستنده‌های ماهواره‌ای به عنوان یک تهاجم واقعی و جدی مطرح است. بی تردید فراگیری این پدیده خاص در اندک زمانی مجال هرگونه مقابله - از نوع مقابله‌های نفی و طرد کلی - را خواهد گرفت. راهی نیست جز آنکه نقش‌یابی نوجوان در حیطه شناخت خویش و باور هویت دینی - فرهنگی خود به گونه‌ای قوی و کارآمد شود که ظرفیت استفاده از کلیه ابزارهای ارتباطی را بیابد و این سخن: گزاف نیست!

**ب) حیطه عواطف**

محدوده عواطف آدمی در جریان دایره‌وار احساسات، خواسته‌ها و علایق، ترجیحات و آرزوها، انتخابها و انگیزه‌ها قرار دارد. آنچه می‌تواند عواطف را در جهتی صحیح سمت و سو بخشد برخورداری شخص از پایه‌های شناختی درست و مستحکم است. به این مثال دقت کنید:

یک برنامه نمایش تلویزیونی ماهواره (Show) با معرفی یک چهره جنجالی و تبلیغاتی و ارائه برنامه‌های بسیار جذاب و پرکشش جزء برنامه هفتگی یک شبکه خاص است. این برنامه به خودی خود در حیطه عواطف و در شاخه تمایلات و انتخابها قدرت آن را دارد که هزاران نوجوان و جوان را به خود جلب کند. کششهایی که در کنار چنین برنامه‌ای به عنوان جاذبه‌های حاشیه‌ای مطرح هستند نیز به خودی خود هریک دارای قدرت فوق‌العاده در این جذب به شمار می‌روند. شکل تبلیغاتی این برنامه، شخصیت اول نقش‌آفرین، محتوای جنجالی و پرجاذبه آن، جاذبه‌های حاشیه‌ای و متنوع و ... در مجموع تمامی عواطف فرد را دچار کششی ناخواسته، قدرتمند و بی‌مهار می‌سازد و این نمونه‌ای از سیل رو به رشد تکنولوژی ارتباط در زمینه اوقات فراغت نسل امروزین ما است.

چه باید کرد و چه می‌توان کرد؟

در یک تحلیل محتوایی هدفهای تهاجمی از چنین برنامه‌ای بدین

صورت فهرست می‌شود:

- غرق شدن در فرهنگ بیگانه و بیگانگی - حداقل آنی - از

فرهنگ خودی



- الگوبرداریهای دیداری و شنیداری از مظاهر فرهنگ بیگانه  
- تحریکات سمعی، بصری و جنسی  
- حرکت تدریجی به سوی نقش‌یابیهای ثانوی در جهت  
فاصله‌گیری از هویت خودی  
- انگیزش سؤال و تردید در مورد محدودیتهای عادی خودی در  
برابر نامحدودنگری آزادیهای فردی بیگانه  
- نافرمانی و سرکشی در مورد باورها و عقاید فرهنگی و  
دینی

آنچه ذکر شد عواقب و نتایج بی‌تردید و بلامنازع پدیده‌ای است  
که در تکنولوژی ارتباطی به عنوان واقعیتی انکارناپذیر حاصل می‌شود.  
سخن این است که در این حیطة قدرتمند عواطف چگونه می‌توان  
مقابله منطقی و درست داشت؟

به جمله آغازین این بخش بازمی‌گردیم:  
«آنچه می‌تواند عواطف را در جهت صحیح سمت و سو بخشد،  
برخورداری شخص از پایه‌های شناختی درست و مستحکم است».  
اذعان این نکته غیرقابل اجتناب است که جز با طی مقدمات  
شناختی و هویت بخشی صحیح به نسل نوجوان، در مقابله با عواطف آنان  
که در شبیخون تدارکات بیگانه است راه به جایی نخواهیم برد. بدین روی،  
به روشنی درخواهیم یافت که در مبارزه با عواطف و خواسته‌هایی که  
خارج از کنترل شناخت و هویت‌یابی است، موفقیتی حاصل نخواهد شد.  
جایگزین کردن عواطف صحیح به جای خواسته‌های نادرست،  
تنها راهی است که در سیل این تهاجم بی‌امان می‌تواند به صورت سپر  
محافظتی کارساز باشد در عین حال که همین عواطف صحیح جز از  
پایگاه شناخت واقع‌بینانه و تلاش در جهت هویت بخشی به نوجوانان  
ممکن نخواهد بود.

#### راهبردهای عملی آموزشی (حیطه عواطف)

در زمینه راههای عملی کنترل و هدایت عواطف نوجوان در  
مواجهه با پدیده تهاجم ارتباطی، سرفصلهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- ۱- آگاه‌سازی نوجوان از وجوه مثبت و منفی آثار رسانه‌های  
ارتباطی و ماهواره‌ای و ایجاد فرصتهای اظهارنظر آزادانه و بیان  
احساسات واقعی در مورد برنامه‌های ماهواره‌ای
- ۲- ایجاد انگیزه برای بروز و ظهور استعدادها، علایق و  
تواناییهایی که حس اثبات خویشتن را در برابر انفعال ناشی از تهاجم  
چنین برنامه‌هایی، برتری و تحقق می‌بخشد. روی آوری به فعالیتهای  
هنری خلاقه که خود فرد مستقیماً عامل فعال و اثرگذار در آنها باشد، در  
تثبیت این حس کمک شایانی خواهد داشت.

۳- مواجهه کنترل شده و هدایت شونده، با بخشی از برنامه‌های  
وسایل ارتباطی - حتی ماهواره - و توجیه منطقی و عاطفی آثار سوء و  
مخرب ناشی از آنها

۴- جذاب کردن فعالیتهای غیررسانه‌ای در اوقات فراغت برای  
نوجوانان از قبیل فعالیتهای ورزشی، اجتماعی، کانونهای هنری براساس  
ایجاد انگیزه‌های قهرمانی و بروز و ظهور تشخص‌های فردی و تثبیت  
شخصیتی

۵- برخوردهای کاملاً دوستانه و ارشادی با موارد مختلف و  
احیاناً انحراف ناشی از ارتباطات

۶- جایگزینی کاملاً دقیق و در عین حال پاسخگو و قانع کننده از  
طریق فیلم و آثار هنری ویدیویی و سینمایی در سطح جامعه و ایجاد  
زمینه‌های سالم برای استفاده مفید از آنها

در پایان ذکر این نکته ظریف بی‌مناسبت نیست که در حیطة  
عواطف، کارسازترین و مؤثرترین عامل سازنده، تقویت روحیه بازدارنده  
مذهبی با استفاده از لطافت و پذیرشی است که در روح نوجوان به ودیعت  
الهی فراهم آمده است و از این نکته نیز نباید غافل بود که این نیروی نهانی  
و خدایی چون شمشیری دودم است که با اندک غفلت و افراط و تفریط از  
موضعی خواهد شکافت که مرهمی را بر آن شفا بخش نخواهد بود.

حساسیت روحیه نوجوانی اقتضا می‌کند که القای نیروی  
بازدارندگی تقوایی و دینی هم از آن منفذ به او تزریق شود که با غریزه  
زیبایی خواهی و صلح جویی و پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مشروع  
انسانی در او تضاد و تناقضی نیافرند.

بدین ترتیب، القای روحیه مذهبی و تقیدات اخلاقی ناشی از  
وحی و کلام آسمانی باید با ارضای طبیعی نیازهای انسانی او همراه و  
توأمان باشد.

#### منابع

- پاول هنری ماسن و دیگران. رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی،  
تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- Wylie. Ruthc. The Self Concept, a critical survey of pertinent  
research liteature. Lincoln, university of Nebraska press 1967.
- J. Cross Cultural Psychology. Vol. 20, No. 1 March 1989,  
self concept in American indian and white children.
- J. Child Development. Vol. 61, No. 5 October 1990,  
Children's Perceptions of self and of Relation ships with  
others as a Function of sociomentvic status.